گزارش کوتاه

دادگاه تجدیدنظر حادثه ورزشگاه آزادی آذرماه برگزار می‌شود

فارس: دادگاه تجدیدنظر حادثه ورزشگاه آزادی ۶ آذرماه امسال برگزار می‌شود.

با اعتراض متهمان پرونده به رای شعبه ۱۰۴۳ دادگاه عمومی تهران پرونده به شعبه ۲۰ دادگاه تجدیدنظر فرستاده شد که قرار است جلسه محاکمه دو متهم پرونده ششم آذرماه امسال برگزار شود.

قاضی دادگاه بدوی پرونده ورزشگاه آزادی پس از آخرین جلسه محاکمه متهمان با بررسی پرونده متهمان را از جنبه عمومی جرم به سه سال حبس تعلیقی و منع اشتغال از مشاغل مدیریتی در مدت تعلیق محکوم کرد.

در کیفرخواست صادر شده از دادسرای جرایم پزشکی تهران دو متهم پرونده به طور مساوی به میزان ۵۰ درصد مقصر شناخته شده بودند. قاضی دادگاه همچنین دو متهم را به پرداخت دیه کامل مرد مسلمان برای هفت اولیای دم مقتولان و پرداخت دیه سه نفر از مصدومان محکوم کرد که دیه آنها از سوی پزشکی قانونی صادر شده بود.

در حادثه ورزشگاه آزادی که پنجم فروردین امسال و پس از پایان بازی تیم‌های ملی ایران و ژاپن اتفاق افتاد ۷ تماشاگر هنگام خروج از ورزشگاه به دلیل ازدحام فوت کردند.

قاضی جوادی پس از سه جلسه محاکمه متهمان پرونده که رئیس ورزشگاه آزادی و فرمانده انتظامی میدان در روز حادثه بودند، این حکم را صادر کرد.

با رضایت اولیای دم
محاکمه قاتل برادرزن از جنبه عمومی

اعتمادملی: جلسه رسیدگی به پرونده مرد متهم به قتل برادرزنش با توجه به اعلام گذشت اولیای دم، صبح دیروز برای رسیدگی به جنبه عمومی جرم در شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد.

در ابتدای جلسه دادگاه حیدری نماینده دادستان به قرائت کیفرخواست پرداخت و گفت: ژ - فرزند رفیع ۳۶ ساله دارای یک فقره سابقه کیفری و آزاد به لحاظ تودیع وثیقه، متهم به قتل عمدی ر- است.

وی با اشاره به گذشت اولیای دم گفت: با توجه به اقدام متهم در اخلال نظم عمومی جامعه، شکایت اولیه اولیای دم، اقرار صریح و مقرون به واقع متهم و نظریه پزشکی قانونی و گزارش مرجع انتظامی مستند به مواد ۲۰۸ و ۶۱۲ و ۶۱۳ قانون مجازات اسلامی تقاضای کیفر قانونی را از محضر دادگاه دارم.

ژ- متهم به قتل با حضور در جایگاه خطاب به دادگاه، اتهام ارتکاب قتل را قبول کرد و افزود: هنوز از وقوع این قتل شوکه هستم و باور نمی‌کنم آدم کشته باشم.

وی گفت: مقتول را برای ترک اعتیاد به منزل خودم بردم بعد از گذشت یک هفته متوجه استعمال مجدد هروئین وی شدم پس از ایجاد درگیری لفظی برای حفظ آبرویم او را از منزلم بیرون کردم.

این متهم به قتل در ادامه افزود: چندین بار برای ترک اعتیاد استعمال هروئین برادرزنم اقدام کردم اما مجدد به استعمال روی آورد که او را به منزل پدر همسرم برای آخرین اقدام جهت ترک مواد مخدر بردم، با بروز درگیری بین من و مقتول در یک لحظه ضربات چاقو به او وارد کردم. وی در آخرین دفاع گفت: من اخلالی در نظم عمومی به وجود نیاوردم و هیچ زمانی آدم کش نبودم.

حکم این پرونده در بخش جنبه عمومی جرم در مهلت قانونی توسط پنج قاضی شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران صادر می‌شود.

قاتل نگهبان شرکت ایران‌خودرو پسر صاحب شرکت بود

پلیس خبر: طراح سرقت و قتل نگهبان شرکت ایران‌خودروی شهرستان نی‌ریز، پسر صاحب شرکت بود.

یک ماه قبل فردی به نام «محمد» مسوول نمایندگی شرکت ایران‌خودرو در شهرستان نی‌ریز فارس، با مراجعه به کلانتری ۱۱ استقلال نی‌ریز اعلام کرد، سارق یا سارقانی به شرکت وی وارد و پس از به قتل رساندن نگهبان شرکت به نام «رجبی» ۷۰ ساله و سرقت یک دستگاه کیس کامپیوتر متواری شده‌اند. با تلاش ماموران آگاهی شهرستان نی‌ریز، یک نفر از مظنونان به نام «رضا» ۲۲ ساله دستگیر شد.

وی در تحقیقات اقرار کرد با همدستی سه نفر به نام‌های «محمود» ۱۶ ساله (پسر صاحب شرکت)، «سلیم» ۱۸ ساله و «اسماعیل» و ۲۲ ساله، اقدام به سرقت از شرکت و به قتل رساندن نگهبان شرکت کرده‌اند.

دو نفر دیگر از متهمان نیز دستگیر و کلیه اموال مسروقه شامل کیس کامپیوتر، دو دستگاه یخچال و دو دستگاه پخش خودرو که در بیابان زیر خاک پنهان شده بود، کشف شد.

مبلغ یک میلیون و ۵۰ هزار تومان وجوه مسروقه نیز توسط سارقان خرج شده بود. پرسنل پرسر صاحب شرکت طراحی نقشه سرقت را به عهده داشته است.

از سوی برادرزن کینه‌جو انجام شد
اسیدپاشی روی داماد سابق

اعتماد ملی: مردی که روی صورت داماد سابقشان اسید ریخته بود پس از دستگیری منکر ماجرا شد.

ساعت ۱۴/۱۰ دقیقه روز ۲۷ شهریورماه سال جاری ساکنان خیابان ۳۰ متری جی با شنیدن فریادهای مردی به خیابان آمدند. در همان لحظه مردی را دیدند که ترک موتورسواری نشسته و در حال فرار است.

پس از آن به دنبال یافتن صدای فریادهای مکرر به در خانه یکی از همسایه‌های خود رسیدند که از شدت درد به خود می‌پیچید. زمانی که همسایه‌ها متوجه موضوع اسیدپاشی شدند مرد مصدوم را به بیمارستان رسانده و پلیس را در جریان موضوع قرار دادند. ماموران پلیس نیز پس از اطلاع از موضوع تحقیقات محلی را آغاز کردند. وی به دنبال احتمالا مرد موتورسوار با موضوع ارتباط دارد. پس از آن در بیمارستان مصدوم را که مرد ۳۵ ساله‌ای به نام علی بود مورد بازجویی قرار دادند.

وی روی تخت بیمارستان به ماموران پلیس گفت: مدتی است که از همسر سابقم طلاق گرفته‌ام اما برادرزنم هر از گاهی به بهانه‌های مختلف به خانه‌ام می‌آمد و فحاشی می‌کند. امروز هم به خانه‌ام آمد وقتی در را باز کردم احساس کردم چیزی رویم پاشیده شد و دیگر چیزی نفهمیدم، ناگهان احساس سوزش کردم. با به دست آمدن این نتایج برادرزن سابق مرد مصدوم بازداشت اما منکر هرگونه دخالت در موضوع اسیدپاشی شد. در حال حاضر پرونده این اسیدپاشی به دستور جعفری معاون دادسرای جنایی تهران به یکی از شعب بازپرسی فرستاده شد تا تحقیقات لازم انجام شود.

دو محکوم به مرگ سحرگاه روز گذشته در زندان اوین اعدام شدند

۲ جوان پای چوبه دار به زندگی بازگشتند

■ میترا خلعتبری ■

سینا سحرگاه روز گذشته با نوالخان ساز در پای چوبه دار رضایت دو اولیای دم را جلب کرد

ساعت ۴/۳۰ دقیقه. آخرین چهارشنبه شهریورماه سال ۸۵، زندان اوین.

خانواده‌های اولیای دم مقابل در زندان اوین در یک سو ایستاده‌اند و خانواده محکومان به مرگ که در این ماه چهار نفر هستند در گوشه‌ای دیگر هراسان از مسوولان زندان تقاضا می‌کنند برای دیدن محکومانشان به داخل محوطه بروند.

چهار محکوم به مرگ در محوطه زندان اوین روی نیمکتی نشسته‌اند. هر چهار ساکت هستند با دستبندی بر دست و پاها.

دو نفر ابتدایی نیمکت سن بیشتری دارند اما دو جوان دیگر گویی خیلی جوان هستند، ۱۷ یا ۱۸ سال سن دارند. بیش از این به چهره آنها نمی‌آید.

کیان‌پور- مدیر داخلی زندان- و حاجی مصطفی- افسر جانشین- گویا بیشتر از مسوولان اجرای حکم در تب و تاب هستند. آنها حتی در این لحظات هم می‌خواهند تلاشی برای نجات محکومان کنند.

چهار محکوم به مرگ به ترتیب سینا پایمرد جوان ۱۷ ساله‌ای است که در سال ۸۳ جوانی را به قتل رسانده بود. نفر دوم علی جوانی است که پسری به نام بهروز را در یک نزاع در دفاع از پدرش به قتل رساند و اما نفر سوم مردی به نام اکبر است که همسرش را شش سال پیش به قتل رسانده بود و در نهایت آخرین اعدامی نوجوان دیگری به نام وحید است.

اولیای دم رضایت دادند

وحید محکوم به اعدام چهارم چندین خواهر دارد و خود تک پسر خانواده است. وحید دیروز یکی از چهار محکوم به مرگی بود که هر چه تلاش کرد موفق به جلب رضایت اولیای دم نشد و پرونده‌ای برای همیشه بسته شد.

اکبر که همسرش را نیز کشته بود، روز گذشته از سوی مسوولان اجرای حکم اعدام شد! اما زندگی هنوز برای دو جوان دیگر اعدامی در جریان است.

سینا پایمرد و علی سحرگاه روز گذشته در پای چوبه‌دار و زمانی که شاید نیمی از جانشان را باخته بودند با رضایت اولیای دم برای فرصتی دو ماهه از اعدام رهایی یافتند.

سینا پای چوبه دار نی نواخت

ساعت ۵ صبح آخرین چهارشنبه شهریور ۸۵ است و دو محکوم به مرگ از میان مجموع چهار نفر اعدام شده‌اند.

در میان شیون‌های خانواده‌هایشان با رضایت خانواده اولیای دم این دو پرونده، افسر جانشین از در زندان بیرون می‌آید و از خانواده دو محکوم به مرگ (سینا و علی) می‌خواهد تا محل را ترک نکنند.

امید در دل دو خانواده جان می‌گیرد و در میان اشک مادران آنها لبخند کمرنگی نمایان می‌شود.

پدر سینا پایمرد روز گذشته را اینچنین وصف کرده است: «حوالی ساعت ۵ صبح من همراه همسر و پسر کوچکترم مقابل در بودم. هر طور که می‌شد از مسوولان خواستم تا بگذارند برای یک بار دیگر سینا را ببینم. کسی حرف‌هایم را گوش نمی‌کرد. شاید مسوولان نمی‌شنیدند که چه می‌گویم. وقتی افسر جانشین را دیدم در یک لحظه فکر کردم سینا را بالای چوبه دار بردند اما او گفت که سینا سازش را می‌خواهد. سینا می‌نی‌زند. ساز را به او دادم. جابری- قاضی اجرای احکام- ساز را بازرسی کرد و آن را به سینا داد.

سینا در پای چوبه‌دار به عنوان آخرین خواسته‌اش سازش را خواسته بود. مسوولان ساز را به دست پسرم رساندند و سینا پای چوبه‌دار شروع به نواختن نی کرد.

سینای نوجوان من که در این چند سال گویا سال‌ها بزرگ‌تر شده است نی زد و همه خانواده‌هایی که در محوطه حضور داشتند با صدای نی سینا گریستند.

یکی از زنانی که در محوطه بود و گویا اولیای دم پرونده دیگری بود با شنیدن صدای نی سینا نیز طرف دیگر پرونده رفت و رضایتش را اعلام کرد. سپس نزد خانواده‌ولی دم پرونده‌ها رفت و از آنها خواست تا آنها هم راضی به رضایت بشوند.

اولیای دم پرونده طرف ما هم از آنجا که انسان‌هایی تحصیلکرده و محترم بودند، با شنیدن حرف‌های این زن رضایتشان را اعلام کردند.»

اولیای دم زندگی دوباره به ما دادند

اعتماد ملی: در حال حاضر شما چه باید کنید؟

پدر سینا: در هفته آینده با این خانواده که زندگی دوباره به ما دادند در مورد مبلغ دیه صحبت خواهیم کرد.

اعتماد ملی: از وصیت سینا پس از اینکه از اعدام نجات پیدا کرد، خبر دارید؟

پدر سینا: وقتی افسر جانشینش از من خواست تا با او داخل محوطه بروم به من اجازه داد تا با تلفن با پسرم صحبت کند. سینا در اولین جمله از احوال افرادی که بیرون از زندان بودند پرسید. پسرم از من خواست گریه نکنم. با تلاش حاجی مصطفی- افسر جانشین- سینا در حدود ۳۰ دقیقه با مادرش هم صحبت کرد. سینا تا پای چوبه‌دار رفته بود اما حالش خیلی خوب بود. پسرم جان تازه‌ای برای زندگی گرفته بود.

قتل در سال ۸۳

سینا ۱۷ ساله در سال ۸۳ جوانی رادر یک درگیری به قتل رسانده بود که با حکم قضات شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران به قصاص محکوم شده بود. حکم سینا در اولین جمله از این ماجرا از سوی قضات دیوان تایید شد اما در نهایت سحرگاه روز گذشته با موافقت اولیای دم پرونده سینا ۱۷ ساله برای بار دیگر به زندگی برگردانده شد.

دومین نجات یافته از اعدام

محکوم به مرگ دیگری که قرار بود سحرگاه روز گذشته در محوطه زندان اوین تهران اعدام شود، پسر جوانی به نام علی بود که اواخر اسفندماه سال ۸۲ جوان دیگری را به قتل رسانده بود.

علی جان علی انگیزه خود را از قتل بهروز در جلسه محاکمه‌اش که در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران برگزار شده بود، اینچنین بیان کرد. چند روز مانده بود به روز چهارشنبه سوری که این حادثه رخ داد. روز حادثه بهروز و سه تن از دوستانش جلوی در مغازه ما نارنجک پرتاب کردند. پدر من سالمند بود و به همین خاطر به کار آن چند جوان اعتراض کرد اما بهروز در برابر اعتراض پدرم سیلی محکمی به گوش او زد. من وقتی متوجه این ماجرا شدم که آن چند جوان از مغازه فرار کرده بودند.

چند روز از این ماجرا گذشته بود که این چند جوان را حوالی مغازه پدرم دیدم. نزد آنها رفتم و به بهروز که به پدرم سیلی زده بود، اعتراض کردم. در پی اعتراض من با آنها درگیر شدم. یکی از آنها چاقو داشت و چند ضربه سطحی هم به من زد. بهروز هم با من درگیر بود در یک لحظه ناخواسته چاقو را برداشتم و به بهروز ضربه‌ای زدم.»

بهروز با وجود اینکه بارها در جلسه محاکمه و جلسات بازجویی قتل را غیرعمدی عنوان کرده بود از سوی قضات شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران به یک بار قصاص نفس به اتهام قتل «بهروز» محکوم شد.

حکم قصاص علی با اعتراض او و وکیل مدافعش سپس به دیوان عالی کشور فرستاده شد. اما این بار قضات دیوان نیز حکم را تایید کردند.

حوالی ظهر سه‌شنبه علی نیز مانند ۳ محکوم به مرگ دیگر برگه اجرای حکم اعدامش را دریافت کرد.

علی جان علی و خانواده‌اش در تمام مدت ۳ سال با وجود همه تلاش‌ها موفق به کسب رضایت اولیای دم نشده بودند و به این ترتیب حکم قصاص علی نیز باید صبح روز گذشته در مقابل چشمان خانواده‌اش اجرا می‌شد.

علی و خانواده‌اش سحرگاه آخرین چهارشنبه شهریور ۸۵ در محوطه زندان اوین هم آخرین تلاش‌هایشان را کردند.

خانواده علی این بار هم با وجود همه ناامیدی‌ها در مورد اینکه فرزندشان ممکن است تا چند دقیقه دیگر بی‌جان و معلق میان آسمان و زمین باشد نزد اولیای دم رفتند و آخرین التماس هایشان را برای نجات پسر جوانشان کردند اما این بار روزنه امیدی جان گرفت و اولیای دم به خواسته خانواده محکوم به اعدام پرونده‌شان گوش دادند و از مسوولان اجرای حکم خواستند تا حکم اعدام علی را متوقف کنند.

اولیای دم بهروز به خانواده علی فرصتی دوماهه دادند تا بتوان برای پرونده تصمیم دیگری اتخاذ کرد. شاید علی هم بتواند با پرداخت دیه که البته مبلغ کمی نخواهد بود از مرگ به این شکل نجات یابد و به زندگی بازگردد.

مرد همسرکش قصاص شد

اما در حالی که دو تن از محکومان به مرگ روز گذشته موفق به دریافت مهلت از خانواده اولیای دم شدند، به زندگی دو محکوم به مرگ پایان داده شد.

در اولین اعدام صبح روز گذشته مردی به نام اکبر که متهم به قتل همسرش بود، بالای چوبه‌دار رفت. این مرد در سال ۷۹ همسرش به نام منصوره را با ادعای اینکه به وی خیانت کرده است و باید او را به سزای عملش می‌رسانده به قتل رسانده بود.

حکم اعدام مردی که همسر خود را در خواب خفه کرده و بعد خانه‌اش را به آتش کشیده بود، از سوی شعبه ۱۱۵۷ دادگاه جنایی تهران صادر شد.

این مرد که اکبر نام دارد ۶ سال قبل همسرش منصوره را به قتل رسانده است. وی بعد از دستگیری گفت: همسرم به من خیانت می‌کرد و من وظیفه داشتم او را به سزای عملش برسانم!

اکبر و منصوره سه سال و نیم قبل از این حادثه با همدیگر ازدواج کرده بودند و صاحب یک دختر ۹ ماهه بودند اما اکبر به همسرش نهفته زده بود که این بچه مال من نیست و یک شب زمانی که منصوره کودکش را شیر داده و کنار خود خوابانده بود، اکبر به آرامی به سراغ آنها رفت اول بچه را به داخل راهروی ساختمان برد و همانجا گذاشت، سپس به سراغ همسرش که خوابیده بود رفت. ابتدا او را خفه کرد سپس چند ضربه چاقو هم به پیکرش زد و آنگاه خانه را به آتش کشید و خودش فرار کرد. وقتی همسایه‌ها متوجه آتش سوزی شدند برای کمک به آنجا رفتند ابتدا دختربچه را که در محاصره دود و آتش قرار داشت نجات دادند، سپس از آتش‌نشانی کمک خواستند. ماموران آتش‌نشانی در جریان خاموش کردن آتش با جسد مادر کودک روبه‌رو شدند که در رختخواب افتاده بود. با توجه به نامه‌ای که در لای پتوی بچه پیدا شد، ماموران پلیس متوجه شدند که این جنایت کار اکبر بوده و او به گمان اینکه همسرش به او خیانت می‌کرده او را کشته است. در همان زمان آزمایش از کودک نشان داد که بچه متعلق به اکبر است و ادعای او بی‌مورد بوده است، به همین خاطر به اتهام قتل عمدی همسرش (منصوره) محاکمه شد.

قضات پس از محاکمه این مرد را به قصاص محکوم کردند اما وقتی حکم به دیوان عالی کشور رفت، قضات دیوان عالی به خاطر نقص در تحقیقات حکم قصاص را رد کردند و خواستار بررسی بیشتر درباره این جنایت شدند. ضمنا وکیل مدافع متهم نیز به عنوان اینکه موکلش دارای جنون است، خواهان انجام آزمایشات روانی روی این مرد شد.

بدین ترتیب وی ۴ بار تحت آزمایشات مختلف قرار گرفت و سرانجام متخصصان پزشکی قانونی ادعای جنون قائل را رد کردند و او را از نظر روانی سالم تشخیص دادند.

به این ترتیب برای بار دیگر اکبر به اتهام قتل عمد همسرش از سوی قاضی شعبه ۱۱۵۷ دادگاه جنایی تهران محاکمه و به قصاص محکوم شد.

حکم قصاص نفس اکبر که ۶ سال پیش با انگیزه‌ای واهی همسرش را به قتل رسانده بود سحرگاه روز گذشته در زندان اوین اجرا شد و به این ترتیب پرونده اکبر در آخرین چهارشنبه شهریورماه سال ۸۵ برای همیشه بسته شد.

۲ تن از محکومان به مرگ اعدام شدند

اما از میان ۴ اعدامی روز گذشته، اولین فردی که حکمش اجرا شد پسر جوانی به نام وحید بود که در سال ۸۲ مرد سالمندی را در ورامین به قتل رسانده بود.

وحید همراه ۳ تن دیگر از دوستانش به نام‌های مهدی، علیرضا و قاسم برای سرقت به سوپرمارکت مرد سالمندی رفته بودند اما وقتی با مقاومت صاحب مغازه روبه‌رو شدند او را به قتل رسانده بودند.

وحید هم در روز حادثه مانند ۲ محکوم به اعدام دیگر مجهز به چاقو بود که بی‌اختیار آن را برداشته و مرد ۷۱ ساله به نام اصغر را به قتل رسانده بود.

در جلسه محاکمه‌ای که برای رسیدگی به اتهامات این ۴ پسر جوان در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران برگزار شده بود، آنها اتهامات خود را پذیرفتند و به این ترتیب وحید که عامل اصلی این ماجرا بود از سوی قضات این شعبه به قصاص نفس محکوم شد.

حکم قصاص این پسر جوان را نیز قضات شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور تایید کردند و وحید دومین نفری بود که سحرگاه آخرین چهارشنبه شهریورماه سال جاری اعدام شد.

به این ترتیب از میان ۴ محکوم به مرگ سحرگاه روز گذشته به زندگی ۲ تن خاتمه داده شد و ۲ جوان دیگر به نام‌های «سینا پایمرد» و «علی» با تقاضای ۲ ماه مهلت از اولیای دم به زندگیشان ادامه خواهند داد.

پرونده دل آرا به شعبه ۳۳ دیوان‌عالی کشور فرستاده شد

اعتماد ملی: پرونده دل‌آرا دختر ۱۷ ساله‌ای که متهم به قتل زنی ۶۵ ساله است، جهت بررسی حکم برای دومین بار به شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور فرستاده شد.

عبدالصمد خرمشاهی وکیل مدافع متهم با اعلام این خبر افزود: پس از صدور دوباره حکم قصاص برای موکلم پرونده برای رسیدگی به شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور فرستاده شد.

وی افزود: هم اکنون قضات این شعبه بررسی پرونده را آغاز کرده‌اند و باتکمیل بررسی‌ها حکم را رد و یا تایید می‌کنند.

پیش از این قضات دیوان عالی کشور حکم قصاص متهم را نقض کرده و آن را برای رسیدگی مجدد به شعبه ۱۰۷ دادگاه رشت فرستاده بودند که قاضی دادگاه پس از دو جلسه محاکمه دل آرا را دوباره به قصاص محکوم کرد.

ساعت ۱۴/۴۵ دقیقه هفتم دی ماه سال ۸۲، مرد میانسالی در تماس با پلیس ۱۱۰ رشت زار قتل پیرزن ثروتمندی به نام مهین را برای کارآگاهان فاش کرد. این مرد در حالی که بسیار هراسان و سراسیمه بود، گفت: لحظاتی قبل از بازگشت دخترش دل آرا به خانه، خواستگار سابق او به نام سعید مقابل خانه آنها آمده و گفته است دخترش و پسر جوانی به نام امیر، دختر عموی او به نام مهین را که پیرزنی تنهاست به خاطر تهیه پول از دواجشان در خانه‌اش به قتل رسانده‌اند. لحظاتی بعد از این تلفن، کارآگاهان پلیس با حضور در خانه پیرزن با جسد غرق به خون وی در داخل یکی از اتاق‌ها روبه‌رو شدند و بررسی‌های پلیسی خود را در این باره آغاز کردند. با انتقال جسد به پزشکی قانونی، بررسی‌های متخصصان نشان داد مقتول پس از آنکه با وارد آمدن ضربات شیء سنگینی به سرش بیهوش شده، با ۱۴ تا ۱۶ ضربه چاقو به قتل رسیده است، کالبدشکافی حاکی از آن بود که دو ضربه به شکم، ۶ ضربه به پشت و کمر و ۶ ضربه به قفسه سینه مقتول وارد آمده بود.

با توجه به اظهارات پدر دل‌آرا، کارآگاهان پلیس، وی، سعید و امیر را تحت بازجویی‌های فنی و پلیسی قرار دادند، سعید در بازجویی‌ها با بیان اینکه دخالتی در قتل پیرزن نداشته به کارآگاهان گفت: روز جنایت دل‌آرا در حالی که به شدت هراسان بوده به جلوی خانه ما آمد و از من خواست به خانه مقتول رفته و کیف او را که پس از جنایت در آنجا جامانده بود بعد از اطمینان از مرگ پیرزن برای او بیاورم. من هم از آنجایی که به دل‌آرا علاقه زیادی داشتم پذیرفتم و به داخل خانه رفته و کیف را برای او آوردم.

با اظهارات سعید، دختر جوان هنگامی که دریافت کارآگاهان از راز جنایت مطلع شده‌اند، ادعا کرد به خاطر قرص هایی که پسر مورد علاقه‌اش به وی خورانده از حالت عادی خارج شده است و چیزی به خاطر نمی‌آورد.

او در توضیح انگیزه خود از جنایت گفت: چند ماه قبل با امیر آشنا شدم و قرار ازدواج با او گذاشتم، امیر از لحاظ وضعیت مالی در وضع خوبی قرار نداشت بنابراین تصمیم گرفتیم تا با انجام سرقت از پیرزن ثروتمند خرج عروسی‌مان را تهیه کنیم و بنابراین به خانه پیرزن رفتیم، بعد از ورود به خانه زمانی که من در حال صحبت کردن با صاحبخانه بودم، امیر یکباره با چوب بیسبال چند ضربه به او زد. در حالی که تحت تاثیر قرص هایی که امیر به من داده بود قرار داشتم امیر با فریاد زدن از من خواست چاقویی از آشپزخانه بیاورم، من هم کیچ و منگ به آشپزخانه رفتم و با چاقویی که آوردم ضربانی به او زدم، پس از قتل پیرزن، امیر گاوصندوق را بازکرد و طلا و جواهرات و پول‌های مقتول را به سرقت بردیم و از خانه خارج شدیم اما بعد از خروج از خانه بادم آمد کیفم را جا گذاشته‌ام و بنابراین درحالی که به شدت ترسیده بودم از امیر کمک خواستم اما او قبول نکرد و به ناچار به سراغ سعید که قبلا نامزدم بود رفتم که او کیفم را آورد ولی موضوع را به پدرم گفت.

در ادامه بررسی‌های هادی ماه سال ۸۲ دل‌آرا در مقابل قاضی شعبه دهم دادگاه عمومی، بار دیگر به قتل اعتراف کرد و قاضی دادگاه، وی را به دلیل اقرار به قتل به قصاص و پسر جوان را به اتهام معاونت به ۱۰ سال حبس محکوم کرد.

با گذشت ۳ سال از زمان جنایت و صدور حکم، قضات شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور، با بررسی اعتراض دل‌آرا به حکم صادره، خواستار بررسی‌های بیشتر و مشخص شدن نقاط تاریک پرونده و خصوصا تعیین قرص هایی شدند که دل‌آرا ادعا کرده بود با تحریک پسر مورد علاقه‌اش قبل و بعد از جنایت مصرف کرده است.

با این درخواست، پرونده بعد از مراحل قانونی در اختیار قاضی جاویدنیا رئیس شعبه ۱۰۷ دادگاه ویژه اطفال رشت قرار گرفت تا وی بررسی‌های دقیق‌تری را درباره این پرونده آغاز کند. دل‌آرا پس از انتقال پرونده‌اش به شعبه ۱۰۷ دادگاه رشت در جلسه محاکمه گفت: می‌پذیرم من و امیر حسین به خانه مهین رفتیم و قبل از آن امیر حسین به من قرص هایی خورانده بود که کاملا بی‌اراده بودم. وقتی او خودش را پشت سر مقتول رساند و با چوب بیسبال ضرباتی زد دهانش را گرفت و با تهدید فریاد زد که چاقویی برایش ببرم، ترسیده بودم، رفتم آشپزخانه و برای امیر حسین چاقو آوردم، او چاقو را گرفت و ضرباتی به مهین زد، من هیچ ضربه‌ای نزده‌ام.

با برگزاری دو جلسه محاکمه قاضی دل‌آرا به قصاص و همدستش را نیز به به ۱۳ سال حبس محکوم کرد.

قتل

قتل در ساختمان نیمه‌ساز شهرک استقلال تهران

اعتماد ملی: تحقیقات پلیس جنایی تهران برای دستگیری مردی که به کشتن برادر ۱۸ ساله‌اش بر اثر اختلاف مالی متهم شده است، آغاز شد. ساعت ۲۳/۳۰ دقیقه سه‌شنبه شب زنگ تلفن افسر نگهبان کلانتری ۱۵۴ چیتگر به صدا در آمد و خبر رسید در یک ساختمان نیمه ساز شهرک استقلال، جنایت اتفاق افتاده است. بازپرس کشیک دادسرای جنایی پایتخت دقایقی بعد خود را به قربانگاه رسانده و با جنازه کاردآجین پسر ۱۸ ساله به نام خانعلی روبه‌رو شد. در این میان یکی از کارگران همان ساختمان به نام محمد خود را به ماموران رساند: در اتاق نشسته بودم که متوجه درگیری خانعلی و برادر ۲۵ ساله‌اش صمد شدم. آنان با هم اختلاف مالی کهنه داشتند و برادر بزرگ‌تر ناگهان در اوج خشم با چاقو به خانعلی حمله کرد و پس از کشتن او پا به فرار گذاشت. به دنبال گفته‌های تنها شاهد جنایت، جنازه به پزشکی قانونی فرستاده شد و ردیابی متهم به برادرکشی در دستور کار دایره ۱۰ آگاهی مرکز قرار گرفت.

قتل

کشف بقایای جسد مثله‌شده

اعتماد ملی: اعضای بدن مثله‌شده مرد میانسالی در حالی در شهرری کشف شد که تحقیقات پلیس پایتخت برای تشخیص هویت وی همچنان ادامه دارد. ساعت ۱۲/۲۰ دقیقه روز سه‌شنبه هفته جاری ماموران کلانتری ۱۷۲ شاه عبدالعظیم در ضلع جنوبی حرم عبدالعظیم به دو گونی مشکوک شدند. پس از بازرسی دو گونی با سر و دست و پای بریده شده مردی روبه رو شدند که در نقطه‌ای خلوت رها شده بود با کشف اعضای مثله شده، ماموران احتمال دادند که این اعضا اجزای بدن مقتولی باشد. که روز ۲۱ شهریورماه در حوالی ایستگاه مترو جوانمرد قصاب کشف شده بود. پس از آن گونی‌ها و محتویاتش به پزشکی قانونی انتقال یافت. متخصصان پزشکی قانونی نیز بعد از انجام چند آزمایش، نظریه ماموران پلیس را تایید و اعلام کردند مقتول مرد حدود ۴۰ ساله‌ای بوده است. در حال حاضر با به دست آمدن این نتیجه، کشف هویت مقتول و دستگیری قاتل در دستور کار قرار دارد. به همین دلیل پرونده تشکیل شد برای انجام تحقیقات به دایره دهم پلیس آگاهی تهران فرستاده شده است.

ایستگاه

بررسی اسرار لکه‌های خون

اعتماد ملی: کشف پژو پارس سفید خونین که قمه و قداره داخل آن بود، پلیس جنایی تهران را با معمای جدیدی روبه‌رو کرد.

ساعت ۲۰/۴۵ دقیقه سه شنبه شب پلیس آگاهی پایتخت در خیابان‌های شمال غرب گشت می‌زد که به یک دستگاه پژو پارس مشکوک شد. راننده این خودرو با سرعت سرسام‌آور در حرکت بود و با ایست ماموران متوقف شد، پلیس با دیدن لکه‌های خون روی سپر خودرو به آن مشکوک شده و پس از کشف قمه و قداره از داخل پژو، بهنام و بهروز - سرنشینان ۲۰ و ۲۳ ساله - را دستگیر کردند.

دو متهم با انتقال به اداره آگاهی از وجود لکه‌های خون روی سپر اظهار بی‌اطلاعی کردند. بهروز به افسران بخش گفت: من و دوستم برای کار شخصی، این پژو را از دوستمان امید امانت گرفتیم. چون خودرو پلاک عقب نداشت، می‌خواهیم ماشین را سریع به او برگردانیم. پرونده این ماجرا دیروز در حالی به بازپرس روشن - رئیس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران - سپرده شد که بعید نیست اسرار یک جنایت در لکه‌های خون نهفته باشد.

اغفال زنان و دختران از سوی دعانویس افغانی

اعتماد ملی: مرد تبعه افغانستان به بهانه دعانویسی و رفع مشکل، زنان و دختران را در شیراز مورد سوءاستفاده و تعرض قرار می‌داد.

بیستم شهریورماه سال جاری اهالی محله‌ای در شیراز به ماموران مبارزه با مفاسد اجتماعی شکایتی مطرح کردند و گفتند: مدتی است مردی افغانی که در محل زندگی ما خانه دارد با عنوان دعانویسی و رفع مشکل زنان نازا و همچنین دختران دم‌بخت با دریافت مبلغی پول به آنها تعرض می‌کند. ماموران پس از شنیدن اظهارات اهالی در محل حضور یافتند و به بررسی آنجا پرداختند اما نتوانستند این مرد را دستگیر کنند چون او قبل از حضور ماموران خانه را ترک کرده بود. به همین دلیل تحقیقات ماموران آغاز شد تا اینکه متوجه این مرد شد. مرد به بهانه دعانویسی و حل مشکل زنان نازا و دختران جوان آنها را به خانه خود می‌کشانده و پس از دریافت مقداری وجه نقد آنها را مورد تعرض قرار می‌داد. در ادامه تحقیقات، ماموران به منظور کسب اطلاعات بیشتر به سراغ دخترانی رفتند که از سوی این مرد مورد تعرض قرار گرفته بودند. اطلاعات به دست آمده نشان می‌داد که این مرد افغان به بهانه دعانویسی و رفع مشکل، این افراد را مورد تعرض قرار می‌داد در حال حاضر تحقیقات برای دستگیری این مرد در حال پیگیری است.

آتش‌سوزی در آسایشگاه کهریزک

اعتماد ملی: آتش سوزی در زیرزمین آسایشگاه کهریزک، وحشت سالمندان و بیماران را برانگیخت.

ساعت ۹ صبح روز سه‌شنبه در پی تماسی با ۱۲۵ و اعلام آتش سوزی در آسایشگاه کهریزک بلافاصله ماموران ایستگاه ۵۰ به محل حادثه اعلام شدند.

فرمانده نیروهای آتش‌نشانی در این عملیات به تشریح نحوه اطفای حریق پرداخت و اظهار کرد: در قسمت زیرزمین آسایشگاه تعداد زیادی تشک اسفنجی نگهداری می‌شد که بر اثر جوشکاری در مجاورت آن، تشک‌ها آتش گرفته بودند. وی افزود: در پی وقوع آتش سوزی در این مکان، مسوولان آسایشگاه سالمندان و بیماران این مرکز که حدود ۲۰۰ تن بودند را سریعا از ساختمان تخلیه کردند و به این ترتیب ماموران آتش‌نشانی نیز به اطفای حریق پرداختند.

قنبری ادامه داد: کانون آتش در زیرزمین بر اثر دود زیاد قابل شناسایی نبود، به همین علت به وسیله دستگاه فن فشار مثبت، پس از تخلیه دود، کانون آتش شناسایی و اطفا شد. به گفته فرمانده نیروهای آتش‌نشانی، خوشبختانه در جریان این عملیات، کسی مجروح نشد و مقرر شد که خسارت مالی حادثه نیز توسط آتش‌نشانی کهریزک بررسی و اعلام شود.

۳۱ کشته و زخمی در حادثه تصادف

ایسکانیوز: دست کم ۱۲ مسافر بر اثر حادثه رانندگی در محور راور - مشهد کشته و ۱۹ نفر زخمی شدند.

یک دستگاه مینی بوس، چهار بامداد روز گذشته در ۴۰ کیلومتری محور راور- مشهد با سرعت زیاد به کامیون خورد و هر دو خودرو واژگون شدند.

به دنبال این حادثه ۱۲ مسافر در دم جان باختند و ۱۹ نفر به شدت زخمی شدند. سپس امدادگران آتش‌نشانی، پلیس و مرکز فوریت‌های پزشکی خراسان رضوی دست به کار شدند، زخمیان را به بیمارستان راور و قربانیان را به پزشکی قانونی منتقل کردند.

تحقیقات مقدماتی کارشناسان نشان می‌دهد بی‌احتیاطی و به احتمال زیاد خواب آلودگی راننده مینی بوس، در این برخورد مرگبار نقش برزنگی دارد.

گزارش ایسکانیوز می‌افزاید: حال ۱۰